

آشنایی با مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران

گزارش عملکرد و فعالیت‌ها در گفت‌وگو با دکتر مهران مقصودی استاد ژئومورفولوژی و رئیس مؤسسه

محموداردوختی

عنوان:

۱. از فعالیت‌های

تحقیقی پژوهشی بنیادی تا

کاربردی؛

۲. بیش از شش دهه فعالیت‌های

تحقیقی و پژوهشی در مؤسسه جغرافیا؛

۳. ایجاد تعادل در روابط انسان و محیط؛

۴. اطلس‌ها و کاربردها؛

۵. توصیف و تحلیل نقشه‌ها در مؤسسه؛

۶. کارهای بزرگ و بین‌المللی مؤسسه تا کارهای کوچکی در

حد سفارش کاری و کارفرماپذیری کاربردی.

اشاره

در راستای اهداف مجله رشد آموزش جغرافیا برای

آشنایی با مؤسسات تحقیقی و پژوهشی جغرافیایی

در گفت‌وگویی با ریاست مؤسسه جغرافیای دانشگاه

تهران، شش دهه فعالیت‌های بنیادی و کاربردی

مؤسسه را به گفت‌وگو نشستیم و فراز و فرودهایش را

شنودیم. گاهی تلخ و گاه شیرین‌تر از عسل، به امید

آنکه مؤسسه و مؤسسات پژوهشی مشابه هرچه

بیشتر در ارتقای دانش جغرافیا که امروزه

گرایش‌های فراوانی را به خود اختصاص

داده، شاهد باشیم؛ به امید آنکه

این گزارش مورد استفاده

مخاطبان قرار گیرد.

موضوع: معرفی مؤسسه جغرافیای دانشگاه تهران در گفت‌وگو با دکتر

مهران مقصودی، رئیس مؤسسه جغرافیا.

لطفاً درباره چگونگی شکل‌گیری و تاریخ

تأسیس مؤسسه، برنامه‌ها و طرح‌های اجرا

شده، در دوره‌های فعالیت آن توضیح دهید.

○ ما فکر می‌کردیم تاریخ تشکیل و تأسیس مؤسسه سال

۱۳۴۲ است، اما وقتی صورت‌جلسه‌های دانشگاه را مشاهده

می‌کردم سال آغاز فعالیت و تأسیس آن ۱۳۳۶ لحاظ شده و آیین‌نامه

آن در سال ۱۳۴۰ مصوب شده بود. لوگوی مؤسسه نیز ۱۳۴۰ را نشان

می‌دهد.

با حضور دکتر مستوفی این تشکیلات در سال ۱۳۳۶ راه‌اندازی شد

و برای آنکه بتواند بهتر در عرصه حاضر باشد و خود را نشان دهد بین

سال تأسیس واقعی و تصویب آیین‌نامه آن یک دوره چهارساله طی

شد. البته باید توجه داشته باشیم که تاریخ تأسیس مؤسسه قبل از

شکل‌گیری دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران و اولین رئیس مؤسسه

نیز دکتر مسعود کیهان است که به‌خاطر سمت نظامی که داشت به او

ماژور مسعودخان می‌گفتند. در آن دوره جغرافیای ایران‌شهر را نوشتند

با توجه به رشته‌ای که در آن فارغ‌التحصیل شده بود، یک تیم بین‌المللی ایجاد کرد و با توجه به هزینه‌های جاری استقرار در بیابان همه‌ساله این تیم را به مدت یک ماه در بیابان لوت مستقر می‌کرد تا به تحقیق و پژوهش بپردازند. در این گروه هیئت‌های مختلف خارجی و ایرانی در رشته‌های مختلف حضور داشتند. از باستان‌شناسی دکتر یامهندس حاکمی، جانورشناسی دکتر محمد بلوچ، زمین‌شناسی دکتر معتمد، ژئومورفولوژی دکتر محمودی، خاک‌شناسی دکتر کردوانی، جمعیت‌شناسی دکتر مهاجر، علوم اجتماعی خانم پردخت فشارکی، زمین‌شناسی خانم دکتر اسدیان، از فرانسه تئودور مونو به‌عنوان ژئومورفولوژیست و برادران کوک به‌عنوان زمین‌شناس و ژان درشت در این تیم حضور داشتند که تیم علمی بزرگی بود.
یک گروه حفاظت و



که موجب تولید فرهنگ‌های جغرافیایی شد و اهمیت زیادی داشت. اما مؤسس اصلی مؤسسه دکتر مستوفی هستند که با حضور یک هیئت متشکل از اساتید، محرکی برای تشکیلات مؤسسه شدند.

دکتر مستوفی بنیان‌گذار اولین مرکز ژئومورفولوژی در ایران است. او تمام کویرها و بیابان‌های ایران را به‌صورت میدانی مورد بررسی قرار داده و چندین کتاب در معرفی آن‌ها از خود به یادگار گذاشته، از جمله شهداد و جغرافیای تاریخی دشت لوت و کتاب حوضه مسیله. مستوفی توانست با جذب محققان خارجی به‌ویژه محققان فرانسوی در سفرهای خود به مناطق بیابانی، امکان بحث و تفحص را برای اعضای گروه خود شامل دکتر محمودی، دکتر بلوچ، دکتر گودرزی و دکتر کردوانی و دیگران فراهم کند. مستوفی با مرکز تحقیقات علمی فرانسه ارتباط نزدیک داشت و با مجله جغرافیا و انتشار کتاب‌های متعدد جغرافیا و زمین‌شناسی، بسیاری از مناطق ناشناخته ایران را به دیگران معرفی کرد و به کمک داشته‌های علمی خود و روابط با دنیای بیرون، توانست به همراه تیم علمی، تشکیلات مؤسسه را راه‌اندازی کند. در ابتدای کار و بعد از آنکه دکتر مستوفی ریاست مؤسسه را عهده‌دار شد، طرح‌هایی را در ذهن داشت که به‌صورت تدریجی آن‌ها را اجرایی کرد. دوره اجرای طرح‌ها به‌لحاظ زمانی کوتاه‌مدت بود و بیشتر در بلندمدت معرفی و اجرا می‌شدند.

در اکثر این طرح‌ها افراد موجه علمی مشارکت داشتند. یکی از ویژگی‌های آن دوره را می‌توان دولتی بودن مؤسسه و تأمین بودجه دانست. در آن دوره شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های دولتی اصلاً به‌دنبال کارهای تحقیقاتی و پژوهش نمی‌رفتند، به همین دلیل برنامه‌های تحقیقاتی و پژوهشی زیر نظر دانشگاه انجام می‌شد که دولتی بود.

دکتر مستوفی با توجه به نفوذی که در رده‌های بالای نظام سیاسی وقت داشت از آن در راه علم و خرید تجهیزات پیشرفته و تربیت نیروی انسانی استفاده می‌کرد و با بودجه‌ای که می‌گرفت کارهای پژوهشی انجام می‌داد. طرح‌های مهمی توسط ایشان و مؤسسه اجرا شد، مثل طرح اطلس ایران که با توجه به در دسترس نبودن منابع و اطلاعات آماری، کاری بسیار مهم و بزرگ بود.

این اطلس در سال ۱۳۴۴ تهیه شده و اگر امروز آن را ببینید فکر می‌کنید با امکانات رایانه‌ای همین امروز تهیه شده است. در سال ۱۳۴۹ نیز مؤسسه، اطلس تاریخ ایران را منتشر کرد که این اطلس نیز در نوع خود بسیار خوب و عالی بود، چون خیلی از اساتید برجسته مانند زریاب‌خویی و پاریزی و سایر اساتید موجه در آن مشارکت داشتند.

در دوره‌ای که کسی به بیابان توجه نداشت و وارد مباحث بیابان نمی‌شد، طرح مطالعه بیابان لوت در مؤسسه کلید خورد. دکتر مستوفی

امنیت نیز آنان را همراهی می‌کرد و با استفاده از هلیکوپتر منطقه را از بالا رصد می‌کردند. این گروه علمی هر ساله به منطقه برمی‌گشتند و گزارش خود را تکمیل و منتشر می‌کردند. در همین راستا در سال ۱۳۴۷ سمینار چهار روزه به نام لوت برگزار شد که تمامی این اساتید و گروه‌های علمی فعال گزارش‌های خود را در آن ارائه کردند. طرح لوت که از سال ۴۷ تا ۵۲ طول کشید، در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. البته در بین این کارها طرح‌های کوچکی هم اجرا شد که آن پژوهش‌ها هم موجودند.

جناب مقصودی با توجه به طرح‌هایی که فرمودید در سطحی بالا اجرا شدند، فکر می‌کنید بیشترین اثرگذاری آن‌ها برای چه سازمان‌ها و ارگان‌هایی بوده که نیازمند به این پژوهش‌ها بودند؟

○ به‌طور کلی کشور ما یک کشور بیابانی و خشک است. شناسایی مناطق خشک موجب می‌شود نگاه بهتری به مسائل پیدا کنیم. مثلاً مکانیسم عملکرد تپه‌های ماسه‌ای و حرکت ماسه‌های روان و مکانیسم تحول این عوارض به چه شکلی است؟ ما اگر یک بیابان را بررسی کنیم الگویی می‌شود برای سایر بیابان‌ها. در آن زمان هم بحث هجوم ماسه را داشتیم که در اواخر دههٔ چهل دورهٔ تثبیت ماسه‌های روان در ایران شروع شد. اگر امروز مشاهده می‌کنیم کرمان پابرجاست به‌خاطر تثبیت ماسه‌ها در آن دوره است که اگر تحقیق و پژوهش انجام نمی‌شد، امروز نمی‌توانستیم کرمان را به این شکل مشاهده کنیم.

مطالعات و پژوهش‌های مؤسسه کمک شایانی به نوع نگاه محققان و جغرافی‌دانان به بیابان‌ها کرد. برای مثال چگونه ماسه‌های بادی مسافت زیادی را طی می‌کنند و به منطقهٔ دیگر حمل می‌شوند؟ چه عواملی موجب حمل و چه عواملی مانع آن می‌شوند؟ این‌ها از دستاوردهای نخستین پژوهش در بیابان‌هاست. ما همواره در مطالعاتمان یک سری مطالعات بنیادی و یک سری مطالعات کاربردی داریم. این مطالعه شاید در زمان خودش بیشتر بنیادی بوده تا کاربردی. بیابانی که در ابتدا همه علاقه‌مند بودند آن را بشناسند.

مثلاً آلفونسو گابریل در کتاب عبور از صحاری ایران و سایر کتاب‌هایش به شناسایی بیابان‌های ایران پرداخته است. هر چند که او یک گردشگر بود، اما اطلاعات خوبی درباره ژئومورفولوژی و نقشه‌خوانی داشت؛ یا سون هدین که از بیابان‌های ایران عبور کرد خیلی علاقه‌مند بود که این بیابان‌ها را بشناسد.

هدین جغرافی‌دان، مکان‌نگار و سفرنامه‌نویس سوئدی بود که علاقهٔ زیادی به شناسایی بیابان‌های ایران داشت و مسیرهای سختی را طی کرد تا به این بیابان‌ها برسد. او رسالهٔ دکترای خود را دربارهٔ کوه دماوند ارائه کرد و گزارش‌های بیابان‌ها را برای چاپ در مجله‌ای به استکهلم و لندن ارسال می‌کرد. در این رابطه می‌توان افراد زیادی را نام برد. یوتیجر، گالینگور، میلر مایر

و ساکسی از محققانی هستند که به لوت و بیابان‌های ایران سفر کردند. اما اولین محقق ایرانی که وارد لوت شد و به‌صورت سیستماتیک اطلاعات را جمع‌آوری کرد، دکتر مستوفی بود که در پوشش مؤسسه این تحقیقات بنیادی را انجام داد.

این طرح‌ها و تحقیقات به لحاظ بنیادی بودن در ابتدا باستان‌شناس همراه نداشت تا اینکه در مسیر کار متوجه سفال‌هایی می‌شوند. برای همین بلافاصله یک گروه از باستان‌شناسان دانشگاه تهران را به گروه اضافه می‌کنند. همچنین در حوزهٔ پرنده‌شناسی و جانورشناسی و خزنده‌شناسی گروه‌ها را در مسیر اضافه می‌کنند که گزارش‌های آن موجود است. این گزارش‌ها در زمینهٔ خاک، زمین‌شناسی، شرایط اجتماعی، ژئومورفولوژی و ویژگی‌های رودخانه‌ها در پانزده جلد منتشر شد که PDF آن قابل‌دانلود است.

مطالعات بنیادی معمولاً در جایی به‌صورت کاربردی مورد استفاده قرار می‌گیرند که این تحقیق‌ها و پژوهش‌های انجام شده نیز از آن دسته هستند. شاخص اصلی فعالیت در آن‌ها بنیادی است، اما ممکن است برای سازمان‌ها و بخش‌هایی استفادهٔ کاربردی هم داشته باشد.

بعد از پیروزی انقلاب فعالیت‌های مؤسسه بنا به شرایط کم‌رنگ‌تر شد، اما به‌تدریج با رشد مواجه شد، به‌گونه‌ای که اطلس شیب و مقاطع ارتفاعی که در نوع خود اطلس بزرگی بود، تهیه شد. تا آن موقع نقشهٔ توپوگرافی داشتیم، اما این‌گونه نبود که شما در «جی‌آی‌اس» دکمه‌ای را بزیند تا برای شما نقشهٔ شیب تهیه کند. چون وجود نداشت. نقشهٔ شیب در مقیاس $\frac{1}{250,000}$ در صدوسی و چهار برگ تهیه شد، کاری که تمام مهندسان مشاور از آن استفاده می‌کردند، چون در زمان تهیهٔ آن گروه بزرگی وارد شدند و این نقشه را تهیه کردند.

آیا می‌شود گفت بیشتر عملکرد تحقیقاتی و پژوهشی مؤسسه در حوزهٔ بیابان بوده است؟

○ خیر، بیشتر در شناخت جغرافیای ایران بوده. ما به تاریخ هم وصل شدیم، چون توانایی تحلیل مکانی و توانایی تولید نقشه داریم و می‌توانیم اطلاعات توصیفی را تبدیل به نقشه کنیم. ما در مؤسسه می‌توانیم توزیع مکانی فقر، نقشه‌های موضوعی و توزیع و پراکندگی پدیده را مشخص و علت آن‌ها را مشخص کنیم.

اگر در مؤسسه به طرف اطلس تاریخ رفتیم دلایلی دارد که اشاره شد. به همین دلیل ما می‌توانیم تحلیل‌های مکانی را انجام دهیم و رشته‌های مختلف می‌توانند با این مؤسسهٔ جغرافیایی کار کنند.

ما در مؤسسه اطلس فرهنگی تهران و اطلس کلان‌شهر تهران را کار کردیم، همچنین اطلس مقاطع ارتفاعی ایران که نشان می‌دهد در کجا چه ارتفاعی وجود دارد، چون نقشه‌های توپوگرافی منحنی میزان هستند، اما اگر آن‌ها را طبقه‌بندی کنیم و به شکلی مناسب نمایش دهیم کاربردی‌تر خواهند بود.

ما اطلس انتخابات ایران را هم کار کردیم و گزارش‌ها و تحقیقات بسیار زیادی وجود دارد که لیست آن‌ها روی سایت مؤسسه آمده که از طرح‌های مهم آن می‌توان طرح بنیاد مسکن و میراث فرهنگی را نام برد. یکی از طرح‌های مهمی که انجام دادیم طرح تدوین پروژهٔ ثبت جهانی لوت بود که با توجه به اطلاعات و منابع جدید پروندهٔ قطوری

تهیه شد و به سفارش سازمان میراث فرهنگی به یونسکو ارسال شد. در آنجا به عنوان اولین اثر طبیعی بعد از ۴۲ سال مشارکت داشتیم که رد پای مؤسسه در آن دیده می‌شود.

جناب مقصودی، به‌طور کلی فعالیت‌های مؤسسه از زمان تأسیس تاکنون در چند

محور یا حوزه تعریف می‌شوند؟

○ محور فعالیت‌ها در طبقه‌بندی کلی همان محورها و گرایش‌هایی است که در دانشگاه داریم، هر چند در زمان تأسیس مؤسسه دانشکده وجود نداشت. براساس گرایش‌ها اطلس‌های مختلف تهیه می‌شوند. تحقیق در حوزه زمین، ژئومورفولوژی و پدیده‌های ریخت‌شناسی زمین از فعالیت‌های کلی مؤسسه هستند. آخرین کار انجام‌شده تهیه نقشه‌های پوششی ژئومورفولوژی ایران است که در سال گذشته همراه اطلس دیجیتال اقلیمی ایران تمام شد. محورهای پژوهش ما در تهیه اطلس‌ها و در تمام زمینه‌ها و در جغرافیای روستایی و شهری و در ارتباط با GIS و سنجش از راه دور است. ما در تمامی گرایش‌های جغرافیا ورود می‌کنیم.

یعنی می‌توانیم بگوییم هر چیزی که در زمین و مکان وجود دارد، در حوزه تعریفی و کارکردی شما قرار می‌گیرد؟

○ درواقع در هر چیزی درخصوص ارتباط مکان و انسان می‌توانیم ورود کنیم. در زمین‌شناسی ما از دیتاهای زمین‌شناسی استفاده می‌کنیم و از چرایی استقرار جمعیت در مکان می‌پرسیم و اینکه ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی و سایر پدیده‌ها چه تأثیری در استقرار انسان در مکان دارند. در حوزه اقتصاد می‌گوییم چرا در یک دوره تاریخی صنایع در جاهایی بیشتر استقرار پیدا کرده‌اند.

در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ که تاریخ تأسیس مؤسسه در آن واقع شده تا امروز به‌طور کلی در زمان‌بندی‌های مشخص فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی مؤسسه در مقایسه با فعالیت‌ها و مؤسسات مشابه خارجی در چه جایگاهی قرار داشته است؟

○ کارهایی که اساتید ما انجام دادند چون فارغ‌التحصیل خارج از کشور بودند وقتی برمی‌گشتند علاقه‌مند بودند آن چیزی را که دیده و آموخته‌اند در اینجا پیاده کنند.

آن موقع دانشگاه‌های ما تازه راه‌اندازی شده بودند یا در حال راه‌اندازی بودند. دکتر مستوفی هم جزو اولین گروه از فارغ‌التحصیلان بود. در آن زمان فعالیت‌هایی که در حد اطلس‌ها انجام شد در سطح بین‌المللی بود، چون تیم همراه هم بین‌المللی بود. ولی در یک مقطعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دسترسی به منابع کمتر شد و تجهیزات رایانه‌ای نداشتیم. در این مقطع یک فاصله‌ای ایجاد شد و سطح فعالیت‌های بین‌المللی و داخلی کاهش یافت. اما وقتی ارتباطات بیشتر شد و اینترنت آمد، طرحی را در مؤسسه با دانشگاه رانیک در ژئومورفولوژی کار کردیم. در حال حاضر با ارتباطات و رد و بدل شدن مقالات فاصله‌ها کمتر شده است.

جناب مقصودی، آیا نوع نگاه علمی ما در حوزه‌های کار گروهی مؤسسه در مقابل سایر کشورها ویژه یا مطرح بوده؟ یا ویژگی‌های سرزمینی و اقلیمی ما استثنایی است؟

○ اگر بخواهیم بگوییم جناب دکتر مستوفی یا دیگران آمده‌اند و باعث شده‌اند اینجا رشد کند، این درست است. درباره این‌که «موقعیت ایران استثنایی است یا نه» به هر صورت تغییرات اقلیمی اتفاق افتاده و تاریخ برجسته ما ارتباط انسان و طبیعت را نشان می‌دهد. این تغییرات در دوره هخامنشی حکومت‌ها را به‌خاطر خشک‌سالی تغییر می‌داده یا اذیت می‌کرده است. ما در دوره صفویه هم با خشک‌سالی مواجه بودیم که تغییراتی در حکومت ایجاد کرد. ویژگی‌های تاریخی ایران منحصر به فرد است. ویژگی‌های طبیعی و موقعیت‌های ایران نیز به‌لحاظ ژئوپولیتیک قطعاً منحصر به فرد است. مکنیدر، پدر جغرافیای سیاسی می‌گوید «در دنیا یک هارتلند داریم که اگر کشوری بر آن مسلط شود بر جهان مسلط می‌شود.» البته این یک نظریه است، شاید کسی آن را قبول نداشته باشد، اما بخشی از این هارتلند ایران است. از نظر طبیعی، کوه‌های زاگرس یا این چین‌خوردگی‌ها با این شکل و شمایل منحصر به فرد و در دنیا کم‌نظیر است و فقط می‌توان کوه‌های ژورای فرانسه را با آن مقایسه کرد که آن هم بسیار کوچک و کم‌وسعت است، اما چون ابتدا در آنجا مطالعه شده بیشتر مورد مطالعه قرار گرفته، در حالی که زاگرس ایران بسیار ویژه و خاص‌تر از آن است. درواقع ما هم تیم علمی ویژه داشتیم و هم دارای ویژگی‌های سرزمینی و منطقه‌ای هستیم. البته باید تلاش کنیم و سطح خودمان را بیشتر ارتقا دهیم.

اگر بخواهید مقایسه‌ای بین گذشته و حال در حوزه ارتقای علمی داشته باشید چه نوع مقایسه‌ای خواهید داشت؟

○ زمانی که من وارد دانشگاه شدم اصولاً تولید علم توسط دانشجو وجود نداشت و دانشگاه هم خیلی پیگیر نبود، اما به تدریج مجلات داخلی منتشر شدند و مجلات بیشتری چاپ شدند. آرام‌آرام تولید علم کردیم و خودمان را در سطح جهانی مورد سنجش قرار دادیم. هرچند در گذشته و بعد از انقلاب خیلی تولیدات علمی فرامرزی نداشتیم، اگر مقاله‌ای هم تولید می‌شد متعلق به کسانی بود که توسط هیئت‌های خارجی می‌آمدند مثل «هانس پوپک» مثل رکرپسلی، که در ۱۹۷۰ روی کویرهای ایران کار کردند. اما آرام‌آرام نهضت علمی ما شروع شد، البته شاید در جغرافیا کمی دیرتر اتفاق افتاد.

رابطه مؤسسه یا مؤسسات مشابه بین‌المللی و خارجی و داخلی در گذشته و حال به‌لحاظ علمی در چه سطحی بوده؟

○ زمانی که مؤسسه شکل گرفت سطح رابطه خوب بود. با تی ان او اس فرانسه بود که بیشترین کار او روی اطلس لوت است، ولی ما اطلس اقلیم و تاریخ را با داده‌های خودمان تولید کردیم و ارتباط با بیرون و مؤسسات خارجی درخصوص «طرح لوت» شکل

اقلیمی می‌شد استفاده کرد. چون بارش‌ها و دماهای زیاد در ایران را نشان می‌داد، آن موقع سازمانی هم نبود که درگیر این موضوع‌ها باشد، اما در سال‌های اخیر به این مسائل ورود کردیم و در اطلس کلان‌شهر تهران به یک سری شاخص‌هایی پرداخته‌ایم که ممکن است مخاطره‌آمیز باشند مثل شاخص فقر و تجرد و مانند آن. و دربارهٔ سیل هم مورد مشورت قرار گرفتیم، طرح‌هایی را هم ارائه کردیم و در حال حاضر نیز در حال کار هستیم. برای مثال در حال حاضر روی فرسایش بادی در منطقهٔ زهک کار می‌کنیم. در سیلاب‌هایی که اتفاق افتاد کارهایی در جهت آموزش و توانمندسازی هم انجام دادیم. دوستان ما روی زمین‌لغزش منطقهٔ ازگل برداشت‌های میدانی داشتند که در مقالات علمی منتشر شده است.

در پروژهٔ خشک شدن دریاچهٔ ارومیه فعالیتی به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم داشته‌اید؟

○ ما چون بودجهٔ دولتی نداریم، نمی‌توانیم مستقیم طرح و پژوهش ارائه کنیم و ورود داشته باشیم. اگر طرحی در ارتباط با تالاب‌ها و دریاچهٔ ارومیه به ما سفارش داده شود انجام خواهیم داد. مؤسسه علاوه بر طرح‌های پژوهشی که ریز آن‌ها موجود است وظیفهٔ دیگری هم دارد، که اطلاع‌رسانی آن‌ها از طریق سامانه انجام می‌گیرد. دیگری برگزاری نشست‌ها و همایش‌ها و کارگاه‌های مربوطه است، مثلاً در ارتباط با تالاب‌ها دو سه نشست داشتیم.

جناب مقصودی، در طرح‌ها و پژوهش‌های کلان گذشته آیا اشاره‌ای به‌عنوان هشدار در مقابله با بلایای طبیعی صورت گرفته که چه باید کرد؟ مثلاً در مورد سیل، زلزله، گردوغبار و ... ؟

○ در طرح دکتر محمودی که دربارهٔ ریگزارهای ایران و تپه‌های ماسه‌ای است، ایشان در آن طرح اشاره می‌کند که باید به مناطق منشأ، در تثبیت ماسه‌ها توجه کنیم.

خیلی از تپه‌ها منشأ گردوغبار نیست بلکه منشأ در جای دیگری در سطح مخروط‌افکن‌هاست که باید تثبیت شوند. این نگاه بوده، اما به‌صورت مستقیم نبوده. اصولاً تحقیق تا دههٔ ۶۰ معنای آن چنانی نداشت، اما الان ما در همین مؤسسه چند طرح در حال اجرا داریم که با شهرداری قزوین و کتابخانه‌های عمومی است. آن‌ها خودشان اجرای این طرح‌ها را خواسته‌اند، مثلاً اینکه کتابخانهٔ عمومی در کجا باشد. ما باید تحلیل مکانی کنیم. بنابراین کار سفارشی است، اما اگر مشکلی پیش بیاید سعی می‌کنیم ورود کنیم که بیشتر از طریق همایش و سمینارهاست. مثلاً دربارهٔ دریاچهٔ ارومیه مطرح کردیم که نگرانیم، اما اینکه آیا پیش‌بینی کرده بودند چنین اتفاقاتی می‌افتد می‌شود گفت در طرح‌های گذشته کمتر به آن‌ها اشاره شده بوده است.

در حال حاضر مؤسسه شما در طرح‌هایی که اجرا می‌کند، پیش‌بینی یا هشدار برای آینده دارد؟

○ ما بیشتر در نشست‌ها سعی می‌کنیم اطلاع‌رسانی کنیم. بیشتر با درخواست مشتری‌ها و کارفرمایان وارد این حوزه‌ها می‌شویم. مثلاً در تهیهٔ اطلس مخاطرات ایران یا اطلس

این پژوهش‌ها برای خارج از کشور هم کاربرد داشته است؟

○ کاربرد علمی را نمی‌دانم، اما به هر حال آن‌ها به‌عنوان تحقیقات بنیادی به این پژوهش‌ها نگاه می‌کردند. در حال حاضر تحقیقات بنیادی در آفریقا و همچنین در چین و الجزایر در حال انجام است و مقالهٔ آن هم منتشر می‌شود. بنابراین انجام تحقیقات بنیادی برای این است که در جایی بتوانند از آن استفاده کنند، مثلاً در مدیریت آب، انسان از دانش خود استفاده کرد تا متوجه شد چگونه در بحث قنوت برای آوردن آب از سطح بالا به پایین استفاده کند.

جناب مقصودی، آیا این مؤسسه در تهیهٔ نقشه‌های شهری و روستایی و مرزی فعالیت داشته است؟

○ طرح‌هایی در حوزه‌های شهری داشتیم اما اینکه برای آن‌ها اطلس تهیه کنیم، خیر. در حوزهٔ گردشگری شهری و روستایی کار کردیم که قطعاً در این کارها نقشه هم بوده است. ما به‌عنوان جغرافی‌دان هیچ گزارشی را نمی‌نویسیم مگر آنکه در آن نقشه باشد، چون اگر نقشه نباشد کار بی‌هویت می‌شود.

نقشه‌ها را هم خودتان تهیه می‌کنید؟

○ مؤسسه حاصل کار پژوهشگرانی را که با آن کار می‌کنند، منتشر می‌کند. در گذشته فعالیت‌های فیزیکی هم انجام می‌شد و آتلیه داشتیم. ۳۰ میز روشن داشتیم و افراد ترسیم می‌کردند، اما الان نیازی به آن‌ها نداریم و در حال حاضر روی اطلس کلان‌شهر تهران کار می‌کنیم که به دو زبان انگلیسی و فارسی منتشر خواهد شد.

ارتباط مؤسسه شما با سایر مؤسسات داخلی چه نوع ارتباطی است؟

○ ما در گذشته مؤسسهٔ پژوهشی نداشتیم و اما امروز علاوه بر تولید نقشه تحلیل هم می‌کنیم که چرا این اتفاق افتاد. ما هم توصیف و هم تحلیل می‌کنیم که کجا اتفاق افتاده و در کجا کمتر است یا کدام نقطه بزرگ‌تر یا کوچک‌تر است و می‌گوییم چرا این اتفاق افتاده است. این می‌شود تحلیل. بنابراین مؤسسهٔ ما تنها مؤسسه‌ای است که کار پژوهشی انجام می‌دهد و سازمان‌ها و مؤسسات دیگر کارشان گردآوری اطلاعات برای تولید نقشه بوده است.

با توجه به کارهای پژوهشی از سال ۳۶ تاکنون که تحقیق و پژوهش‌های خاص در

سرزمین ایران و خروجی‌های خوبی هم داشتید، آیا در ارتباط با آب‌های زیرزمینی، آب‌های سطحی، زمین‌لرزه، زمین‌لغزش، سیل و مسیرهای آن و بازدارندگی در مؤسسه کار تحقیقی و پژوهشی خاصی انجام شده است؟
○ ما در ارتباط با زلزله، پژوهش گسل دهشیر را داشتیم که دو سال پیش انجام شد. در گذشته در مورد بلایای کار نشده، شاید از اطلس

پدافند غیرعامل اقدام می‌کنیم.

به مسئولان اطلاع دادیم که بیا باید اطلاعات مکانی مخاطرات را ثبت و تحلیل مکانی کنیم که در کجا چه اتفاقی ممکن است رخ دهد و عواقب آن چیست و مدیریت آن باید به چه شکل باشد. ما همایشی با عنوان مخاطرات برگزار کردیم. یکی از همکاران ایرانی ما از دانشگاه یورک آمد؟؟ نظری ارائه کرد که می‌گفت اگر اینجا زلزله بیاید صدمات و تلفات آن چه مقدار خواهد بود.

استفاده از تکنولوژی در تجهیزات مثلاً جی‌آی‌اس برای تحلیل‌های مکانی لازم است. این را باید سازمان بازرگانی سفارش بدهد تا ما وارد شویم. ما برای جلوگیری از مخاطرات، اگر ارجاع شود، یک تیم را که توسط مدیر پروژه تعریف می‌شود تشکیل می‌دهیم تا کارها را انجام دهد.

بیشتر طرح‌ها و پژوهش‌های انجام‌شده در مؤسسه در راستای اهداف چه سازمان‌ها و ارگان‌هایی بوده است؟

○ در ارتباط با سازمان میراث فرهنگی، شهرداری‌ها، سازمان‌های جغرافیایی، دهیاری‌ها، و وزارت کشور بوده است. در توانمندسازی روستایی هم با جهاد کار کردیم.

جناب مقصودی، کارهایی که در مؤسسه انجام دادید، به‌عنوان پایلوت و نمونه قابلیت ارائه و بهره‌برداری به سایر حوزه‌ها را داشته است یا نه؟

○ به نگاه سازمان سفارش‌دهنده بستگی دارد. قبلاً می‌دانستیم کارمان به درد چه حوزه‌ها یا فعالیت‌هایی می‌خورد. نظارت هم می‌کردیم و میزان تأثیر طرح را می‌سنجیدیم. اما در حال حاضر این بخش از کار کمتر شده، چون سازمان سفارش‌دهنده تصمیم می‌گیرد.

تعریف شما در مقایسه با سطح علمی و نوع نگاه در مؤسسه به نسبت گذشته و حال چیست؟ و از نظر تجهیزات کدام دوره مظلوم‌تر واقع شده است؟

○ در حال حاضر مطالعات بیشتر کاربردی یا سفارشی انجام می‌شود. ما دوست داریم درباره گلوبال وارمینگ و سیلاب به‌خاطر ارتباطشان کار کنیم، اما بودجه این کار به‌خاطر بزرگی و سنگینی پروژه تأمین نمی‌شود. سفارش‌دهنده می‌گوید منشأ سیلاب کجاست و دلایل آن چه بوده است؟ اما درباره گلوبال وارمینگ که همه این‌ها در دل آن قرار می‌گیرد، چیزی نمی‌خواهد.

در خصوص تجهیزات، در دوره دکتر مستوفی به‌خاطر نفوذ ایشان و دولتی بودن مؤسسه، وضعیت تهیه تجهیزات بهتر بود. در حال حاضر تجهیزات معتبر مربوط به رایانه می‌شود، به‌ویژه در رشته سنجش از راه دور و اقلیم‌شناسی در گذشته تجهیزات دانشجو و استادمحور بود. اما امروز استادمحور است و سؤال می‌کنند استادی که چند دانشجوی دکترا دارد، چه تجهیزاتی برای کار نیاز دارد.

جناب مقصودی، فکر می‌کنید کم شدن فعالیت‌های کلان مؤسسه شما و تهیه

تجهیزاتتان، به‌خاطر توزیع کارها و تجهیزات به بخش‌های دیگر است که مشابه شما هستند یا نه؟

○ تخصص‌ها خیلی ریز شده است. امروز سازمان زمین‌شناسی چند پژوهش‌شکده دارد که وارد کارهای ریز شده‌اند. برای عناصر هر سال تجهیزات جدید می‌آورند و روی عناصر با دقت بالا کار می‌کنند. اینکه کلاً در اینجا چند در هزار است، دقت بالایی نیاز دارد. سازمان جغرافیایی ارتش و سازمان نقشه‌برداری نیز همین‌طورند. مؤسسه ما پژوهشی و دانشگاهی است و خیلی نیاز به تجهیزات آن هم به اندازه یک سازمان نداشته و ندارد.

جناب مقصودی، ضمن تشکر و قدردانی از صبر و حوصله شما، در قسمت پایانی مباحث در جهت معرفی مؤسسه جغرافیای دانشکده دانشگاه تهران، چنانچه مطلب به‌جامانده‌ای دارید یا مطالبی را باید اضافه کنید بفرمایید تا مخاطب ما بیشتر و بهتر با فعالیت‌های مؤسسه آشنا شود.

○ ما نگاهمان در مؤسسه نشان دادن ویژگی‌های جغرافیایی ایران بوده است و در این مسیر اطلس‌سازی کردیم، و کارمان بیشتر پژوهشی و آموزشی بوده است.

مؤسسه ما با ۶۰ سال سابقه کار از اولین مؤسسات پژوهشی کشور است. رسالتش معرفی جغرافیای ایران بوده است و نسبتاً هم توفیق داشته است. چون مؤسسه دیگری هم در کنار آن و هم‌زمان وجود نداشت.

مؤسسه ما با تولیداتی که داشته، توانسته خودش را در ایران بشناساند. مؤسسه از جایگاه بالایی برخوردار است. این مؤسسه علاوه بر نشست‌ها، سمینارها، همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی که برگزار می‌کند، چاپ و نشر مجلات پژوهشی را هم در دستور کار دارد. سه مجله فارسی و انگلیسی که با عنوان فصلنامه منتشر می‌شوند، در سامانه هستند که می‌توان به‌طور مرتب و رایگان مطالب را از آن‌ها دانلود کرد و از آخرین دستاوردهای علمی پژوهشی در حوزه جغرافیا مطلع شد. مخاطبان ما به‌راحتی می‌توانند در حوزه‌های تخصصی از این سامانه استفاده کنند. ممکن است ما مستقیم درباره سیل کار نکرده باشیم، اما مقالات زیادی درباره آن منتشر کرده‌ایم. سعی می‌کنیم خلائی را که در این زمینه وجود دارد پر کنیم، یکی دیگر از کارهای مؤسسه جمع‌آوری اسامی کارشناسان و اساتید است که به‌صورت بانک اطلاعاتی براساس حروف الفبا و نوع گرایش و تخصص افراد جمع‌آوری شده که می‌توان سفارش‌ها و طرح‌ها را به آن‌ها ارائه داد. از آنجا که دانشگاه‌ها از مؤسسات پژوهشی خود فاصله می‌گیرند، این مؤسسه‌ها باید خودگردان باشند، چون تأمین بودجه سخت است. به همین دلیل کارها نیز سخت‌تر شده‌اند.

در پایان اینکه دانشگاه بیشتر به‌دنبال دستاوردهای مالی مؤسسه تحت پوشش است که ۱۵ درصد را دانشگاه دریافت می‌کند و ده درصد آن سهم ما در ارتقای کار است.

آقای مقصودی، از شما تشکر می‌کنم که در این گفت‌وگو شرکت کردید.